

عید غدیر برترین عید اسلام

عید غدیر به منزله عید بزرگ شیعیان و اعلام امامت حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع) را باید به حق بزرگ ترین و باشکوه ترین عید در جهان دانست؛ چراکه با اعلام ولایت، اسلام به کمال ابلاغ شد و بعد از آن روز هیچ بهانه و حجتی برای مردم در طول تاریخ باقی نماند که بگویند حق را ندیدیم و نشناختیم. بلکه در آن روز که به وسعت همه روزها در جهان گسترده شد، پیام حق و اسلام ابلاغ شده و امام و پیشوا در جهت یکتاپرستی و وحدانیت، برای کل جهانیان معرفی شد.

برترین عید اسلام

به حسب ظاهر آیا می شود انسان بگوید [عید غدیر] عیدی است که در عیدیت بالاتر از همه این اعیاد باشد؟ چطور می شود که بالاتر از همه این اعیاد باشد؟ با اینکه آن ها عید اسلامی اند، این عید تشیع است، عید وصایت است، عید ولایت است. چطور این بالاتر شد؟ به اعتبار آن که: «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست». به اعتبار این که کسی که قائل به ولایت است، قائل به اسلام است و لایعکس. کسی که این روز را عید بداند، آن سه تا (عید قربان، فطر و روز جمعه) را هم عید می داند، لایعکس؛ و از طرفی، خاص بالاتر از عام است.

کتاب الغدیر

هنگامی که مرحوم امینی (علامه عبدالحسین بن احمد تبریزی امینی) جلد اول کتاب الغدیر را در نجف اشرف چاپ و به بازار عرضه کرد، مصر از وزیر اطلاعات و فرهنگ عراق خواست که از طبع آن جلوگیری کند. در جواب گفته بود: «هر چه در آن هست، از کتاب های خود شما است». مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین (عالم بزرگ، عبدالحسین بن یوسف شرف الدین موسوی عاملی) و آقا سید محسن امین در کلام و اعتقادات خیلی زحمت کشیدند و مقامشان خیلی عالی است. از میان متأخرین نیز مرحوم آقای علامه امینی، صاحب الغدیر فرموده است: «برای تألیف الغدیر صد هزار کتاب از کتب عامه (اهل سنت) را مطالعه کرده ام».

فضائل امام علی (ع) شرق و غرب عالم را پر کرده است

خلیل (عالم و ادیب بزرگ) یک شخص عجیب و غریبی بوده است. در بین سنی و شیعه، مثل این ادیب پیدا نشده است، هیچ. از او سؤال کردند: «دلیل بر اینکه حضرت علی (ع) امام همگان در همه امور است چیست؟» گفت: «احتیاج همگان به او در همه امور، و بی نیازی او از همگان در همه کارها». او می گوید: «علی بن ابی طالب، دوستانش فضائلش را از ترس مخفی کردند و دشمنانش فضائلش را از روی حسد مخفی می کردند. مع ذلک فضائلش، شرق و غرب عالم را پر کرده است».

چندین روایت ناب از اهل تسنن درباره امیر مؤمنان (ع)

عده ای از روایاتی که عامه در فضل حضرت امیر (ع) نقل کرده اند در درجه اول و اعلی قرار دارد، نظیر: «أَنْتَ مِنْی بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ تو نسبت به من به منزله هارون به حضرت موسی (ع) هستی، تنها با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد بود». و نیز روایت طبر مشوی: «اللَّهُمَّ! آتِنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّيْرِ فَجَاءَ عَلِيٌّ؛ خداوند، محبوب ترین اشخاص در نزد خود را حاضر کن تا این پرنده را همراه با من بخورد... ناگاه علی (ع) فرارسید». و نیز روایت: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا؛ من شهر علم هستم و علی (ع) درب آن است». همچنین این روایت که صاحب صواعق محرقه آن را از کتب خودشان نقل می کند و سند آن را هم به خلیفه اول می رساند که حضرت رسول 6 سلم فرمود: «مَنْزِلَةُ عَلِيٍّ مِنْی مِثْلُ مَنْزِلَتِي مِنْ رَبِّي؛ مقام و منزلت علی (ع) نسبت به من، همانند منزلت من نسبت به پروردگارم است». و نیز این حدیث از پیامبر اکرم 6 در روز غدیر خم: «أَلَسْتُ أَوَّلِي بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ 6 : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ آیا من نسبت به جان شما سزاوارتر نیستم؟ عرض کردند: بله. فرمود: هر کس من به او ولایت دارم و مولای اویم، این علی (ع) مولای او است. خداوندا، هر کس که او را مولای خود بداند و دوست دارش باشد و دوستش بدار و هر کس با او دشمنی ورزد دشمنش باش». همه را نقل می کنند و درباره روایت اخیر می گویند: «لَوْ أَرَادَ الْخَلِيفَةُ، لَقَالَ 6 : عَلِيٌّ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي؛ اگر مقصود رسول اکرم 6 خلافت بود، قطعاً می فرمود: علی (ع) خلیفه و جانشین من است.»

چگونه در عید غدیر جشنی الهی بگیریم؟

در تاریخ اسلام دو حادثه بسیار مهم و بزرگ اتفاق افتاده است که از یکی رسالت و از دیگری امامت به وجود آمده است. نخستین حادثه، نزول وحی بود که رسالت پیامبر گرامی اسلام 6 را در برداشت و دومین حادثه نیز در هیجدهم ذیحجه سال دهم هجرت در مسیر بازگشت پیامبر گرامی اسلام 6 از مراسم حجه الوداع اتفاق افتاد. در این روز بزرگ، رسول گرامی اسلام 6 به امر الهی در مسیر بازگشت از مراسم حج، در محلی به نام غدیر خم حضرت علی (ع)، را به عنوان وصی و جانشین بعد از خود به همگان معرفی نمودند. در حقیقت انتصاب حضرت علی (ع) به امامت در واقعه غدیر خم، ادامه رسالت مهم پیامبر گرامی اسلام بود. بنابراین روز غدیر و انتصاب امیرالمومنین (ع) به امامت به اندازه روز بعثت و رسالت نبی گرامی اسلام 6 دارای اهمیت است.

نقل شده است که امام حسن (ع) روز عید غدیر در کوفه مهمانی بزرگی برپا می داشتند. امام علی (ع) با فرزندان و گروهی از پیروانش بعد از نماز برای شرکت در مجلس به منزل امام حسن (ع) می رفتند و پس از اتمام مهمانی امام حسن (ع) هدایایی به مردم اعطا می فرمود. این حرکت امام حسن (ع) موجب شد مردم به روز عید غدیر عادت کنند.

عید غدیر خم، با نصب امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) به ولایت و امامت روز تکمیل دین اسلام و بزرگ ترین عید اسلامی است. اهمیت غدیر در روایات اهل بیت (ع) به اندازه ای است که از آن به عیدالله الاکبر (عید بزرگتر الهی) یاد شده است. (نک: شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 3 ص 143).

این روز پر عظمت و مبارک دارای احکام استجابی ویژه و فراوانی است که به نمونه هایی از آن ها همراه با برخی توضیحات می پردازیم.

اعمال مستحبی روز عید غدیر خم

۱. **روزه گرفتن:** روزه گرفتن در این روز بسیار پرفضیلت شمرده شده است. در برخی روایات بیان شده که هر کس این روز را روزه بگیرد مانند کسی است که تمام عمر دنیا را روزه گرفته باشد. شایان ذکر است کسی که روزه قضای ماه رمضان بر عهده دارد نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و باید به جای نیت روزه مستحبی، نیت روزه قضا کند اما اگر روزه قضا را در این روز انجام دهد، امید است خداوند ثواب روزه مستحبی این روز را هم به او عطا فرماید.

۲. **غسل:** غسل کردن در این روز به نیت غسل روز عید غدیر خم، فضیلت دارد و بهتر است این غسل کمی قبل از ظهر (مقارن زمانی که پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین را به ولایت و امامت نصب نمودند) انجام شود.

۳. **احسان و اطعام و نیکی کردن به مؤمنان:** از دیگر اعمال بسیار با فضیلت این روز احسان و نیکی به مؤمنین است. از این روی برگزاری جشن ها و مراسم بزرگداشت این روز بسیار سفارش شده است. همچنین گشاده رویی با برادران ایمانی، زینت کردن، اطعام و خوشحال کردن آن ها مورد تاکید است.

۴. **صله رحم و دید و بازدید:** در میان ایرانیان رسم است که در این روز به دیدار سادات مکرم می روند و عید را به آنان تبریک می گویند. هرچند زیارت از سادات در این روز به عنوان عملی مستقل وارد نشده، اما این عمل هیچ منع شرعی ندارد و رسمی بجا و خوب است؛ و می تواند یکی از مصادیق تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی باشد. و البته توجه به این نکته لازم است که این عید، مخصوص سادات (به تنهایی) نیست بلکه عید همه شیعیان و بلکه در واقع عید همه مسلمانان و مردم جهان است اگر چه ارزش آن را نمی دانند. در این روز مستحب است مؤمنین هنگام دیدار همدیگر بگویند: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیر المؤمنین و الأئمه» یعنی «خدا را حمد می کنیم که ما را از اهل قبول کنندگان ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام و از کسانی که به آنها تمسک می کنند قرار داد».

۵. **رسیدگی به امور خانواده و هدیه دادن:** خوب است انسان در این روز به وضع معیشتی خانواده خود رسیدگی بیشتر انجام دهد و برای اهل خانه هدایایی را آماده کند. در روایاتی از این عمل به عنوان عامل زیادی روزی نام برده شده است.

۶. **زیارت امیر المؤمنین:** از اعمال بسیار با فضیلت این روز مبارک زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. البته اگر توفیق تشرف به بارگاه ایشان نبود می توان از دور، زیاراتی را که برای حضرتش وارد شده بجا آورد.

در حدیثی از امام رضا علیه السلام می خوانیم: هر جا که هستی سعی کن در روز عید غدیر، خود را به کنار قبر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام برسانی، چرا که در این روز خداوند گناهان بسیاری از مردان و زنان مسلمان را می بخشد و دو برابر کسانی که خداوند آن ها را در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از دوزخ آزاد می کند، در چنین روزی از آتش جهنم رهایی می دهد.

۷. **عقد اخوت:** از دیگر اعمال این روز پیمان برادری میان مؤمنین است. مستحب است برادران و خواهران ایمانی در این روز عقدی را بین خود برقرار سازند که مفاد آن اخوت و همدلی در دنیا و دستگیری از همدیگر در آخرت است.

نکاتی درباره عقد اخوت:

الف: این عقد تعهداتی همچون ارث و محرمیت افراد وابسته به طرفین ایجاد نمی کند. بنابراین این افراد از هم ارث نمی برند و هیچ گونه رابطه محرمیت میان وابستگان آن ها ایجاد نمی شود.

ب: این عقد، فقط میان دو مرد یا دو زن بسته می شود و هیچ زن و مردی نمی توانند این عقد را بین خود جاری کنند و خواهر و برادر شوند.

ج: لازم نیست صیغه عقد اخوت حتماً به عربی خوانده شود، بلکه اگر آن را به فارسی یا زبان دیگری هم جاری کنند صحیح است؛ اما باید الفاظی را بکار برند که معنی این عقد را برساند.

د: اگر دو خانم، بخواهند با هم عقد خواهری برقرار کنند در صورت خواندن عقد به عربی، باید ضمیرهای مذکر را تبدیل به ضمیرهای مونث کنند. با توجه به نکات گفته شده مضمون این عقد رعایت برخی امور معنوی نسبت به یکدیگر در دنیا و پس از مرگ است. مثلاً برادران متعهد می شوند که در دنیا همدیگر را از دعا فراموش نکنند و در آخرت هم اگر از اهل نجات و شفاعت باشند، همدیگر را شفاعت کنند. شیوه برقراری: دو برادر یا دو خواهر دست راست خود را به هم می دهند و یکی از آنان صیغه عقد اخوت را می خواند و دیگری مفاد آن را قبول می کند. متن عربی عقد: ابتدا یکی از آنها این متن را با توجه به معنای آن می خواند: «وَ أَخِيَّتَكَ فِي اللَّهِ وَ صَافِيَّتَكَ فِي اللَّهِ وَ صَافِحَتَكَ فِي اللَّهِ وَ عَاهَدْتُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ كُتِبَ وَ رُسُلُهُ وَ أَنْبِيَائُهُ وَ الْأَئِمَّةَ الْمَعْصُومِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَنِّي إِن كُنْتُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الشَّفَاعَةِ وَ أَذِنَ لِي بِأَنْ أَدْخُلَ الْجَنَّةَ لَا أَدْخُلُهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مَعِي» سپس طرف دیگر در جواب او می گوید: «قَبِلْتُ» باز هم نفر اول می گوید: «أَسْقَطْتُ عَنْكَ جَمِيعَ حُقُوقِ الْأُخُوَّةِ مَا خَلَا الشَّفَاعَةَ وَ الدُّعَاءَ وَ الزِّيَارَةَ» ترجمه: نفر اول می گوید: «به خاطر خدا با تو برادری و صفا (یکرنگی) می ورزم به خاطر خدا دستم را در دستت قرار می دهم؛ و در پیشگاه خدا و فرشتگان و کتاب ها و فرستادگان او عهد می کنم که اگر از اهل بهشت و شفاعت باشم و اجازه ورود در بهشت را یابم، بدون تو وارد بهشت نشوم».

سپس نفر دوم می گوید: «قبول کردم». باز برادر اول می گوید «تمام حقوق برادری به جز حق شفاعت و دعا و دید و بازدید را از تو ساقط کردم». بدین ترتیب این دو نفر با هم برادر ایمانی یا خواهر ایمانی می شوند و باید در دعاها و زیارت ها همدیگر را فراموش نکنند.

۸. **نماز عید غدیر ختم:** اگر به کتب دعا مثل مفاتیح الجنان مراجعه ای داشته باشیم، خواهیم دید که برای روزهای شادی و شمع نیز برنامه ها و مخصوصاً نمازهای خاصی ذکر شده است. روز عید غدیر هم از این مسئله مستثنی نیست و نمازی برای این روز وارد شده است. البته مراد ما از نماز عید غدیر، نماز مخصوصی است که علاوه بر مستحبی بودن، به جماعت خوانده می شود. (در فقه شیعه خواندن نماز مستحبی به جماعت، به جز نماز عید، باطل است) البته از میان چند نماز که برای این روز ذکر شده مراد دو رکعت نماز مثل نماز صبح است که مقداری قبل از اذان ظهر خوانده می شود.

دلایل جواز اقامه نماز عید غدیر به جماعت از نظر برخی از فقها

۱. **پیروی از عملکرد پیامبر در روز هیجدهم ذی الحجه:** ایشان بعد از آنکه حاجیان پیش افتاده و نرسیده را در محل غدیر خم جمع کردند، امر کردند که مردم برای اقامه نماز جماعت جمع شوند. این نماز پیش از ظهر خوانده شده و برای اطلاع رسانی آن اذان گفته نشده بلکه از لفظ (الصلاه جامعه) استفاده شده، که در آن زمان برای برپایی نمازهای جماعت مستحب استعمال می شده است. بعد اقامه نماز هم خطبه ای توسط ایشان ایراد شده است. بعد از خطبه، وقت اذان ظهر رسیده و مؤذن برای نماز ظهر اذان گفته است. (نک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۶۵).

۲. ادعای شهرت بر جواز جماعت

برخی از علماء مانند محقق اردبیلی ادعای شهرت برای برگزاری جماعت را کرده اند. (نک: مقدس اردبیلی، مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۳، ص ۳۲)

۳. **شیوه عملی برخی از فقها مانند شیخ مفید در برگزاری این نماز با جماعت بوده است.** مرحوم آقا ضیاء عراقی نقل می کند که شیخ مفید (که در اوائل غیبت کبری زندگی می کرده و به زمان حضور معصومین علیهم السلام بسیار نزدیک بوده) این نماز را به صورت جماعت در میدان بغداد اقامه کرده است.

غدیر در سیره اهل بیت علیهم السلام

غدیر از اساسی ترین برنامه های پیامبر خدا 6 برای دوام و عزت و شکوه اسلام و قرآن بود. او در بازگشت از حجه الوداع آخرین رسالت خویش را انجام داد. زیرا خدایش فرموده بود: ای پیامبر، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای؛ خداوند تو را از گزند مردم نگه می دارد. خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. غدیر از اساسی ترین برنامه های پیامبر خدا 6 برای دوام و عزت و شکوه اسلام و قرآن بود. او در بازگشت از حجه الوداع آخرین رسالت خویش را انجام داد. زیرا خدایش فرموده بود :

« یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته واللّٰه یعصمک من الناس ان الله لا یمهدی القوم الکافرین ». (مائده/ ۶۷) ای پیامبر، آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای؛ خداوند تو را از گزند مردم نگه می دارد. خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. در پی اجرای اوامر پروردگار و معرفی وصی و جانشین خود علی بن ابی طالب (ع) آیه اکمال دین: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم» نازل و روز غدیر جشن ولایت و وصایت شد.

اهل بیت پیامبر ﷺ و امامان بر حق شیعه، که نگاهبان اسلام حقیقی بودند و سعی داشتند آن را از خطرات دور سازند، از هر فرصتی بهره بردند تا غدیر را زنده بدارند و آن خاطره گرامی و به یاد ماندنی را مطرح کنند؛ زیرا در تابش آفتاب غدیر اهداف والای پیامبر جامه عمل پوشید و برای فتنه انگیزی کج اندیشان فرصت باقی نماند.

نگاهی گذرا به سیره فاطمه و امیر مؤمنان ﷺ و دیگر امامان راستین شیعه ما را با اهمیت واقعه غدیر و نقش عظیم و سرنوشت ساز آن هدایت و نیکبختی بشر آشنا می سازد. راویان، نویسندگان و مفسران اهل سنت و شیعه به واقعه غدیر و آیات نازل شده در آن توجه بسیار داشته اند. برخی از علمای شیعه مانند علامه طبرسی روایات نزول آیه تبلیغ در سرزمین غدیر را مشهور دانسته اند. از اهل سنت ابوالقاسم عییدالله بن عبدالله حسکانی، از دانشمندان اهل سنت، نیز همین را مطرح می کند. او احادیث غدیر را در دوازده جزوه دسته بندی کرده، آن را «دعاء الهداء الی اداء حق الموالاة» نامیده است. ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید مشهور به ابن عقده - مورد اعتماد مذاهب چهارگانه اهل سنت - در این باره کتابی به نام «حدیث الولاية» تدوین کرده است.

علامه امینی؛ نیز کتاب گرانسنگ «الغدیر» را، در یازده مجلد، به رشته نگارش درآورد. آنچه در مجموعه این آثار جلب توجه می کند موضعگیری آشکار ائمه اهل بیت علیهم السلام درباره این واقعه مهم است، موضعگیریهایی که از اهمیت غدیر و نقش آن در سعادت بشر پرده برمی دارد. در این مقاله به بررسی بخشی از این موضعگیریها می پردازیم:

فاطمه زهرا سلام الله علیها بر مزار حمزه سید الشهداء (احد)

روزی در احد بر مزار عموی پدرش «حمزه سیدالشهداء» ایستاده بود و عزاداری می کرد. محمود بن لبید فرصت را غنیمت شمرده، پس از عزاداری پرسید: ای دختر پیامبر خدا، آیا برای امامت و زعامت علی بن ابی طالب علیه السلام از سخنان پیامبر خدا 6 دلیلی به یاد داری؟ فاطمه فرمود: و اعجبا انسیتم یوم غدیر خم؟... اشهد الله تعالی لقد سمعته يقول: علی خیر من اخلفه فیکم و هو الامام و الخلیفه بعدی و سبطای و تسعة من صلب الحسین، ائمة ابرار، لئن اتبعتموهم وجدتموهم هادین مهدیین و لئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامة. شفکتا! آیا حادثه عظیم غدیر خم را فراموش کرده اید؟... خدا را گواه می گیرم که خود شنیدم آن بزرگوار می فرمود: علی بهترین کسی است که او را در میان شما جانشین خود قرار می دهم، علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است. دو فرزندم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیک اند. اگر از آنان اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند کرد و اگر با آنها مخالفت ورزید، تا روز قیامت تفرقه و اختلاف در میانتان حاکم خواهد بود.

علی علیه السلام و استدلال به غدیر

الف) سلیم بن قیس هلالی می گوید: در زمان خلافت عثمان، در مسجد النبی 6 نشسته بودم؛ جمعی از مردم نیز در مسجد در حال گفتگو بودند. علی بن ابی طالب علیه السلام به پاخواست، سوابق خویش در خدمت به اسلام را برشمرد و همگی بر درستی گفتارش گواهی دادند حضرت درباره روز غدیر خم فرمود: مردم درباره ولایت و وصایت از پیامبر خدا 6 پرسیدند، در آن هنگام خداوند به پیامبرش فرمان داد تا خلیفه و جانشین بعد از خود را معرفی کند و توضیح دهد، همان طور که درباره نماز، روزه، زکات و حج جزئیات را بیان کرده است. آنگاه امام علیه السلام ادامه داد: «فنبینی للناس علما بغدیر خم... فقال 6 : ایها الناس اتعلمون ان الله - عز و جل - مولای و انا مولی المؤمنین و انا اولی بهم من انفسهم قالوا بلی یا رسول الله. قال 6 : قم یا علی، فقمتم. فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». در غدیر خم پیامبر خدا 6 مرا چنین معرفی کرد: ای مردم، آیا می دانید که خداوند ولی

و سرپرست من است و من ولی و سرپرست شما مؤمنان هستم؛ و من نسبت به جانهای شما از خودتان سزاوارترم؟ همگی پاسخ دادند: چنین است ای پیامبر خدا. سپس فرمود: علی به پاخیز. من برخاستم، آنگاه فرمود: هر کس من ولی و سرپرست او هستم علی بن ابی طالب علیه السلام براو ولایت دارد؛ بار خدایا دوست بدار هر که علی را دوست دارد، و دشمن بدار هر که علی را دشمن می دارد...

ب) حدیث غدیر در مکرکه صفین

علی علیه السلام در یکی از روزها در جمع سپاه خود، که گروهی از مهاجرین و انصار نیز در آن به چشم می خوردند از زبان پیامبر خدا (ص) فضایل خویش را برشمرد. آیات شریف «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة...» و «لم یتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنین ولیجه» را تلاوت کرد و فرمود: مردم پرسیدند یا رسول الله، آیا ولایت اختصاص به بعضی از مؤمنان دارد یا برای عموم است؟ در آن هنگام خداوند فرمان داد تا پیامبرش ولایت را همانند نماز، روزه، زکات و حج توضیح دهد و تبیین کند. در آن وقت پیامبر خدا 6 در غدیر خم مرا ولی امر مردم قرار داد و چنین خطبه خواند: ان الله ارسلنی برسالة... من کنت مولاه فعلی مولاه

ج) خطبه غدیریه امیر مؤمنان علیه السلام در زمان حکومت

در دوره حاکمیت علی بن ابی طالب علیه السلام اتفاقاً روز عید غدیر با جمعه مصادف شد. مسلمانان حضور چشم گیری پیدا کردند و آن حضرت برای اقامه نماز جمعه و خواندن خطبه های آن در برابر مردم قرار گرفت. حسین بن علی علیه السلام می گوید: پنج ساعت از روز گذشته بود [قبل از اذان ظهر]، که پدرم خطبه ها را آغاز کرد. او نخست به حمد و ثنای حضرت حق پرداخت، صفات ربوبی اش را برشمرد، حاکمیت مطلق را از آن وی دانست، نعمت هایش را مورد توجه قرار داد و بعد خطاب به مردم فرمود: خداوند تعالی امروز دوعید بسیار بزرگ [جمعه و غدیر] را برای شما در یک زمان قرار داده است؛ دوعیدی که هر یک فلسفه وجودی دیگری را تکامل می بخشد و به وسیله هر یک هدایت در دیگری اثر می بخشد... سپس فرمود: توحید و ایمان به یگانگی خداوند پذیرفته نمی شود مگر با اعتراف به نبوت پیامبرش محمد 6 و دین و شریعت محمد 6 پذیرفته نمی شود مگر با قبول ولایت امر کسی که خدا فرمان ولایتش را داده است؛ و همه این امور سامان نمی پذیرد مگر بعد از توسل و تمسک به اهل ولایت.

غدیر از نگاه مولی الموحدین علیه السلام

علی علیه السلام سپس فرمود: خداوند در روز غدیر آنچه در باره منتخبین خود اراده کرد بر پیامبرش فرو فرستاد، به او فرمان داد تا ولایت و وصایت را ابلاغ کند و مجال را از کافران و منافقان بگیرد نگران گزند دشمنان نباشد. روز غدیر قدر و منزلت بسیار دارد، در آن روز گشایشهای الهی فرا رسیده و حجتش بر همه تمام شده است. امروز روز روشنگری و اظهار عقیده از جایگاه بلند و روشن است، امروز روز تکامل دین و روز وفای به عهد است. غدیر روز شاهد رسول الله صلی الله علیه و آله [6] و مشهود [علی بن ابی طالب علیه السلام] است، روز در هم ریختن پیمانهای زیر پرده کفر و نفاق است، روز آشکار شدن حقایق اصیل اسلام است، روز ذلت و خواری شیطان است، روز استدلال و برهان است، روز جدا شدن صفوف کسانی است که آن را تکذیب می کردند امروز بزرگترین روزی است که عده ای از شما از آن اعراض کردید، روز هدایت و امتحان بندگان خداست، روز آشکار شدن کینه های نهفته در دلها و سینه هاست، روز عرضه نصوص [سخنان بدون ابهام پیامبر صلی الله علیه و آله 6] بر افراد مؤمن و دلباخته [اهل الخصوص] است، غدیر روز شیث پیامبر صلی الله علیه و آله است، روز ادريس و یوشع و شمعون و ...

منشور علوی صلی الله علیه و آله در عید غدیر

امیر مؤمنان علیه السلام در قسمت آخر خطبه فرمود: رحمت خدا بر شما ای مسلمانان، بعد از برگشت از این اجتماع بزرگ امروز [غدیر] را عید بگیرید: [و با انجام امور ذیل آن را بزرگ بشمارید].

الف) نعمت را بر افراد خانواده و خویشاوندان گسترش دهید و نیکی و بخشش پیشه کنید.

ب) به برادران دینی خویش به قدر توان نیکی و بخشش کنید.

ج) خدای را در برابر نعمتهایی که به شما ارزانی داشته، شکر گزار باشید.

د) کنار یکدیگر جمع شوید تا خداوند اجتماع شما را فراگیر و گیراتر سازد.

ه) به یکدیگر نیکی کنید تا خداوند به شما الفت و مهربانی بیشتر عنایت کند.

و) نعمت های الهی را به یکدیگر تبریک و تهنیت گوید همان طور که خداوند [در این روز] با اعطای اجر و ثوابی

بیش از دیگر اعیاد به شما تهنیت می گوید. بعد فرمود: کمک های مالی به دیگران در امروز (غدیر) به اموالتان

برکت می بخشد و بر عمرتان می افزاید: مهربانی به دیگران سبب رحمت و عنایات حق خواهد شد.

(ز) با خوش رویی و شادمانی یکدیگر را در آغوش بگیرید.

(ح) خداوند را بر توفیقات خویش سپاس گوئید.

(ط) از فقرا و ضعیفانی که چشم به کمک شما دارند دیدن کنید، به زیارتشان بروید و با آنان در خوراکشان همراه شوید. بعد حضرت فرمود: یک درهم کمک به فقرا در روز عید غدیر با دویست هزار درهم برابر است، بلکه بیشتر خواهد بود.

(ی) وقتی یکدیگر را ملاقات کردید مصافحه کنید، به هم تبریک بگوئید و سلام کنید، که پیامبر خدا (ص) به من چنین فرمان داد.

غدیر خم در خطبه امام مجتبی

حسن بن علی علیه السلام در برابر طاغوت شام و مردم کوفه خطبه ای خوانده، مردم را به بالاترین نعمت از دست رفته، که حاکمیت اهل بیت علیهم السلام بود، توجه داد. شایستگی و لیاقت خویش و مشروعیت خلافتش را متذکر شد و داستان روز بیاد ماندنی غدیر را چنین بازگو کرد: «وقد سمعت هذه الامه جدی - 6 - یقول: ما ولت امه امرها رجلا و فیه من هو اعلم منه الا لم یزل یدهب امرهم سفلا حتی یرجعوا الی ما ترکوه و سمعوه - 6 - یقول لابی: انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی. و قد راوه و سمعوه 6 حین اخذ بید ابی بغدیر و قال لهم: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عادته ثم امرهم ان یبلغ الشاهد منهم الغائب ثم قال...» مردم سخن جدم پیامبر 6 را به یاد دارند که می فرمود: هر گاه مردم کسی را به رهبری خویش برگزینند در حالی که لایقتر و آگاهتر از آن فرد وجود داشته باشد، برای خویش تیره بختی خریده اند مگر این که دوباره بدانچه رها کردند و به فراموشی سپردند باز گردند و آنچه را که از پیامبرشان درباره پدرم شنیده اند دنبال کنند، رسول خدا می فرمود: ای علی تو بعد از من مانند هارون پس از موسی هستی، او جانشین برادرش موسی بوده تو نیز جانشین و خلیفه منی؛ تنها تفاوت [میان آنها و ما] این است که بعد از من پیامبری و نبوت نخواهد بود. امام مجتبی علیه السلام سپس فرمود: این مردم پیامبر خود را دیدند و سخنانش را در «غدیر خم» شنیدند. در آن روز جدم رسول خدا 6 دست پدرم علیه السلام را گرفت و در برابر آنان گفت: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی مولای او خواهد بود؛ خدایا، دوست بدار هر کس

او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن دارد... سپس جدم پیامبر 6 دستور اکید داد که، حاضران مطالب غدیر را به غایبان برسانند.

امام حسین (ع) و حدیث غدیر در منا

یک سال قبل از مرگ معاویه، امام حسین (ع) به زیارت بیت الله الحرام در مراسم پر شکوه، حج مشرف شد عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر او را همراهی نمودند. آن سال عده زیادی از زنان و مردان بنی هاشم حضور داشتند. امام حسین (ع) درایام تشریق آنان را در سرزمین منا جمع نمود در آن اجتماع عظیم بیش از هفتصد نفر از مردان تابعین و دویست نفر از صحابه پیامبر خدا 6 گرداگرد وجودش زیر خیمه حلقه زدند و منتظر سخنان امام خویش بودند، حضرت پیا خاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: شما شاهد و ناظر تجاوزات معاویه جنایتکار نسبت به ما و شیعیان هستید و از آنها اطلاع دارید، سخنان مرا گوش کنید و بنویسید [تا برای آیندگان بماند] و به دیگر شهرها و قبائل و افراد مؤمن و مورد اعتماد خود برسانید و آنان را دعوت به اداء حق ما (اهل بیت) کنید ترس آن دارم که وقتش بگذرد و حقوق ما مغلوب ستمگر گردد، گر چه خداوند بالاترین پشتیبان است. سپس فرمود: شما را به خدا سوگند: بیاد نمی آورید که پیامبر خدا 6 روز غدیر خم پدرم علی (ع) را وصی و امام بعد از خود قرار داد و حدیث ولایت را بر شما خواند و فرمود همگی باید این پیام را به دیگران برسانید پاسخ دادند: چرا ما بیاد داریم.

امام محمد باقر (ع) و غدیر

فضیل بن یسار، بکیر بن اعین، محمد بن مسلم، برید بن معاویه و ابوالجارود همگی در محضر امام باقر (ع) بودند حضرت در باره ولایت علی بن ابی طالب (ع) و روز غدیر فرمودند: خداوند پیامبرش را مامور به ولایت علی (ع) کرد و این آیه شریفه را نازل کرد: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة» با نزول آیه فوق ولایت اولی الامر واجب گردید و لکن عده ای نفهمیدند اولی الامر چه کسانی هستند؟ خداوند به محمد - 6 - دستور داد تا آن را توضیح دهد و همانند نماز و زکات و روزه و حج مصادیق خارجی آن را روشن سازد. در آن هنگام اضطراب او را فرا گرفت و ترسید عده ای به واسطه آن از آیین اسلام برگردند و او را تکذیب کنند او به خدا پناه برد در آن هنگام آیه تبلیغ (یا ایها الرسول بلغ... نازل گشت پیامبر خدا 6 امر حق را اجرا نمود و در غدیر خم ایستاد و فرمان اجتماع مردم و زوار بیت الله الحرام را داد و در آنجا علی بن ابی طالب (ع) را

ولی بعد از خود معرفی کرد و دستور داد آنانی که در آنجا (غدیر خم) بودند پیام خداوند (ولایت علی علیه السلام) را به دیگر افراد برسانند.

امام صادق علیه السلام در مسجد غدیر

حسان جمال می گوید: همراه امام صادق علیه السلام از مدینه به مکه مسافرت کردم. در نزدیکی میقات جحفه، چون به «مسجد غدیر» رسیدیم امام - علیه السلام - به جانب چپ مسجد نگریست و فرمود: این مکانی است که پیامبر خدا (ص)، در روز غدیر، علی را جانشین خود معرفی کرد و فرمود: من کنت مولاه فعلی، مولاه. آنگاه امام علیه السلام به جانب دیگر نگاه کرد، جایگاه خیمه های دیگران را نشان داد و فرمود: سالم غلام ابو خدیفه و ابو عبیده جراح نیز در آنجا بود؛ گروهی از مردم چون علی علیه السلام را بر روی دست پیامبر دیدند با حسادت به وی نگریستند و به یکدیگر می گفتند: به دو چشم او [پیامبر] نگاه کنید، چگونه همانند دیوانه به اطراف خویش می نگرد و قرار ندارد. در این هنگام جبرئیل نازل شد و این آیات را بر پیامبر خدا (ص) قرائت کرد: «و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین». آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند؛ آنها می گفتند: او واقعا دیوانه است، در حالی که قرآن جز بیداری و آگاهی برای جهانیان نیست.

امام کاظم علیه السلام و مسجد غدیر

عبدالرحمان بن حجاج گفت: خدمت موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم. در حالی که قصد سفر داشتم، از آن حضرت در باره مسجد غدیر خم پرسیدم. امام - علیه السلام - فرمود: در آن مسجد نماز بخوانید که فضیلت و ثواب بسیار دارد، پدرم [به هر که عازم آن دیار بود] فرمان می داد تا در مسجد غدیر نماز بگزارد.

الف) امام رضا علیه السلام عرشیان و روز غدیر

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می گوید: در منزل امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام نشسته بودم، جمع بسیاری نیز در منزل حضرت گرد آمده بودند که گفتگو درباره روز غدیر آغاز شد؛ بعضی از افراد وجود روز غدیر را در صدر اسلام منکر شدند و بعضی آن را از شعائر اسلامی می دانستند. در این هنگام، علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: پدرم از جدم «جعفر بن محمد» چنین نقل می کرد: آسمانیان روز غدیر را بهتر از زمینیان می شناسند، خداوند در

بهشت برین ساختمان بزرگی را به خود اختصاص داده است؛ این ساختمان از آجرهای نقره و طلا ساخته شده، در آن صد هزار گنبد از یاقوت سرخ و صد هزار گنبد از یاقوت سبز وجود دارد، خاک و گل های به کار گرفته شده در این قصر از مشک و عنبر است، در آن چهار جوی (یا رودخانه) به چشم می خورد که در هر یک از آنها خمر و آب زلال و شیر و عسل جریان دارد؛ در اطراف این جویبارها درختان انبوهی از میوه های مختلف روئیده، بر روی آنها پرندگان پرواز می کنند که بدنشان از لؤلؤ و پرهایشان از یاقوت است؛ آنها با پرواز خویش صداهای دلنوازی ایجاد می کنند. روز غدیر در این قصر بزرگ باز می شود؛ فرشتگان و اهل آسمانها تسبیح گویان به قصر داخل می شوند؛ آن پرندگان به پرواز درآمده در جویبارها خود را مرطوب می سازند و سپس به آن مشک و عنبر آغشته کرده، و عطرش را در فضای ملکوتی قصر منتشر می سازند؛ فرشتگان الهی به نام فاطمه زهرا 3 به یکدیگر هدیه می دهند؛ چون پایان روز غدیر فرا می رسد، به فرشتگان گفته می شود به جایگاههای خویش برگردید شما تا سال آینده، مثل چنین روزی، از اشتباه و لغزش در امان هستید و بدانید همه این موهبت ها به خاطر عظمت پیامبر ما محمد و وصی او علی بن ابی طالب - علیه السلام - است.

ب) برکات عید غدیر

سپس علی بن موسی الرضا علیه السلام رو به احمد بن محمد ابی نصر کرد و فرمود: ای فرزند ابونصر، هر جا که بودی روز غدیر سمت مرقد امیرمؤمنان - علیه السلام - بشتاب که:

۱. خداوند گناهان شصت ساله هر مؤمن زیارت کننده او را می آمرزد.

۲. خداوند، به برکت روز غدیر دو برابر گروهی که در ماه رمضان، شب قدر و شب عید فطر آزاد می کند، از آتش جهنم می رهاند.

۳. پروردگار یک درهم انفاق به مستحق را هزار برابر پاداش خواهد داد.

سپس فرمود: روز غدیر به برادران دینی خود برتری و فضیلت ده و مردان و زنان با ایمان را خوشحال و مسرور نما.

قرآن و رویداد غدیر

«امروز کافران از (نابودی) دین شما نومید شدند از آنان مترسید و از من بترسید، امروز دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود را به پایان رسانیدم و اسلام را به (عنوان) دین، برای شما برگزیدم». در رویداد «غدير» گذشته بر آیه «تبليغ» یعنی آیه: «يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك» دو آیه ديگر نازل شده و به حادثه رنگ ابدی و جاودانی بخشیده است اين دو آیه عبارتند از:

۱- آیه اکمال دین.

۲- آیه سؤال عذاب.

اینک پیرامون هر دو آیه به بحث و گفتگو می پردازیم:

«اليوم يؤس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوه و اخشون اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً» «امروز کافران از (نابودی) دین شما نومید شدند از آنان مترسید و از من بترسید، امروز دین شما را تکمیل کردم و نعمت خود را به پایان رسانیدم و اسلام را به (عنوان) دین، برای شما برگزیدم». دقت در مضمون آیه اکمال دین، می رساند که روز نزول آیه حادثه بسیار مهمی رخ داد، که مایه نومیدی دشمنان از پیروزی بر اسلام و موجب کمال دین و به پایان رسیدن نعمتهای معنوی خدا شده است اکنون باید دید چه روزی می تواند حامل چنین نویدهایی باشد، و با این خصوصیات و نشانه ها خود را در عرصه تاریخ نشان دهد؟

۱- آیا روز فتح مکه می تواند دارای چنین خصوصياتی باشد؟ به طور مسلم نه، زیرا در آن روز پيمانهای مسلمانان با مشرکان به قوت خود باقی بود و هنوز مراسم حج بسان عصر جاهلی برگزار می شد، و قسمتی از احکام اسلام پس از آن فرود آمده است از این جهت نه یأسی بر کافران منطقه مستولی شده بود و نه آئین به معنی بیان فروع و نه به معنی تحکیم پایه های آن، تکمیل گردیده بود.

۲- آیا روز اعلام بیزاری از مشرکان می تواند مظهر چنین روزی باشد، به تصور اینکه یأس و نومیدی در چنین روزی بر مشرکان مستولی گردید؟ باز می گوئیم نه، زیرا بیان دین به معنی احکام در آن روز پایان نیافته بود به گواه اینکه قسمتی از «حدود» و «قصاص» و احکام مربوط به «کلاله» پس از اعلام بیزاری نازل گردیده است. بنابراین تنها مسأله یأس نشانه آن روز نیست، بلکه یأس توأم با تکمیل آئین؛ و هرگز در روز اعلام بیزاری این دو نوید، به صورت توأم، در آن روز تحقق پذیرفته بود. اکنون باید دید روزی که حامل این نوید گرانها بود چه روزی بوده

است؟! گروهی نظر می دهند که این روز، همان روز «عرفه» سال دهم هجرت است که در تاریخ به نام «حجۃالوداع» معروف است ولی با توجه به حوادث تاریخی این دو نوید گرانها در چنین روزی تحقق نپذیرفت. اما مسأله یأس و نومیدی به دو صورت می تواند مطرح گردد:

الف: یأس قریش و مشرکان شبه جزیره یک چنین نومیدی پیش از این روز تحقق پذیرفته بود و قریش در روز فتح مکه، و دیگر مشرکان در روز اعلام بیزاری، از پیروزی اسلام کاملاً مأیوس شده بودند در این صورت صحیح نخواهد بود که بگوئیم در روز عرفه سال دهم حجۃ الوداع یأس و نومیدی مشرکان جامه عمل پوشید در حالی که چنین کاری یک سال و اندی قبل، تحقق پذیرفته بود.

ب: یأس همه کافران روی زمین به یک چنین نومیدی تا آن روز جامه عمل نپوشیده بود. اما مسأله تکمیل دین اگر مقصود از «دین» احکام و فروع دین باشد هرگز پرونده بیان احکام الهی در روز عرفه بسته نشد بلکه یک رشته احکام مربوط به «ربا و ارث و کلاله» پس از روز عرفه «حجۃالوداع» نازل شده است. تنها روزی که می تواند بستر این دو نوید الهی باشد، همان روز «غدیر» است که با تعیین جانشین هم یأس بر دشمنان مستولی گردید، و هم آئین خدا تکمیل شد. البته مقصود از یأس، نومیدی مخصوصی است که با تکمیل دین توأم می باشد. و مقصود از تکمیل دین، تکمیل ارکان و پی ریزی اسباب بقا آنست، نه بیان فروع و جزئیات، اکنون به بیان هر دو مطلب می پردازیم:

الف: تعیین جانشین و استیلاء یاسی

روزی که پیامبر جانشین خود را رسماً تعیین کرد، در آن روز کافران در یأس و نومیدی از محو نابودی اسلام، فرو رفتند زیرا آنان تصور می کردند که آئین اسلام قائم به شخص پیامبر است و با رحلت رسول گرامی 6 از میان می رود و اوضاع به حال سابق باز می گردد، وقتی مشاهده کردند که پیامبر 6 فرد شایسته ای را (که از نظر علم و دانش عدالت و دادگری، قدرت و قاطعیت بی نظیر بود)، برای رهبری تعیین کرد و مسلمانان با او بیعت کردند، از زوال اسلام نومید گردیدند. و به کلی مأیوس شدند و دیدند که اسلام به صورت یک آئین ریشه دار در آمد، و دیگر برای آن تزلزلی نیست. آیات قرآنی گواهی می دهد که کافران پیوسته چشم طمع به دین مسلمانان دوخته بودند و آخرین آرزوی آنان این بود که مسلمانان را از آئین خود باز دارند، و به کیش نیاکان خود برگردانند چنانکه می فرماید:

«ود کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفاراً» «و بسیاری از اهل کتاب آرزو کردند که شماها را پس از ایمان، به سوی کفر باز گردانند». ولی پیشرفت سریع اسلام در شبه جزیره و سقوط پایگاه شرک در مکه از امید آنان می کاست ولی آخرین پناهگاه خیالی آنان این بود که چون آورنده آئین جدید، فرزندی ندارد که پس از درگذشت او حکومت جوان اسلام را رهبری کند، از این لحاظ، اساس حکومت اسلامی پس از رحلت او فرو می ریزد و چیزی طول نمی کشد که بر آن پیروز می شوند و وضع، به همان حال نخست باز می گردد. قرآن سخن کافران را در این باره برای ما نقل می کند چنانکه می فرماید: «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ» «بلکه آنان می گویند که او (پیامبر) شاعری است و ما انتظار می بریم که او دچار حوادث روزگار گردد و از دنیا برود». این آخرین نقشه ای بود که کافران به آن امیدوار بودند، ولی روزی که رسول خدا، وصی خویش و رهبر مسلمانان را پس از خود تعیین نمود، آن روز، روزی بود که شبی از ترس و یأس بر فراز زندگی مشرکان سایه افکند و طمع آنان از بین رفت.

ب: تکمیل دین

اگر امروز با نصب خلیفه و تعیین جانشین، یأس بر مشرکان مستولی گردید، آئین اسلام نیز به صورت آئین کامل درآمد، و مقصود از «اکمال دین» در آیه، بیان فروع و وظائف عملی مسلمانان نیست، بلکه فراهم ساختن بقاء و پایداری آنست و یا تحکیم و تثبیت علل استقرار و بقاء، یعنی تعیین رهبر، دین تکمیل گردید و با در نظر گرفتن این معنی جمله های آیه با هم کاملاً مربوط و متناسب می گردد. و روز تحقق این دو حادثه معین می شود.

مدارک نزول آیه در غدیر

مفسران و محدثان اسلامی نزول آیه را در روز غدیر یادآور شده اند. و ما در این جا به بخشی از این مدارک اشاره می کنیم. و اگر مدارک شیعه را در این مورد، بر مدارک اهل سنت اضافه کنیم، قهراً مسأله به عالی ترین حد از «تواتر» می رسد. علاقمندان می توانند به کتابهای یاد شده در زیر مراجعه کنند در این کتابها که همگی به قلم دانشمندان اهل سنت نوشته شده است تصریح شده که این آیه در روز «غدیر» نازل گردیده است. مانند:

۱-الولاية تألیف طبری (متوفای ۳۱۰هـ).

۲- تفسیر ابن کثیر شامی، (۷۷۴هـ) ج ۲، ص ۱۴.

۳- تفسیر الدرالمنثور سیوطی شافعی، متوفای (۹۱۱هـ) ج ۲، ص ۲۵۹ و الاتقان، ج ۱، ص ۳۱ (طه ۱۳۶۰).

۴- تاریخ ابوبکر خطیب بغدادی، متوفای (۴۳) ج ۸، ص ۲۹۰.

۵- شیخ الاسلام حموینی، در فراید السمطین باب ۱۳.

۶- خوارزمی، متوفای (۵۶۸هـ) در مناقب ص ۸۰ و ۹۴.

۷- تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۱۰۱.

۸- تذکره سبط ابن جوزی حنفی، متوفای (۶۵۴) ص ۱۸. علامه عالیقدر مرحوم امینی ؛ در کتاب جاوید «الغدیر» ج ۱، ص ۲۳۰ به بعد، اقوال و روایات وارد از طریق اهل سنت را که همگی گواهی می دهند که آیه «الیوم اکملت» در روز غدیر نازل شده است به تفصیل نقل کرده است... اما روایات شیعه درباره شأن نزول آیه شریفه، در کتابهای مربوط به امامت و در تفاسیر معتبر موجود می باشد.

نکاتی چند در مورد آیه

۱- گروهی از مفسران مانند فخر رازی در «مفاتیح الغیب» و آلوسی در «روح المعانی» و عبده در «المنار» نقل می کند که پیامبر پس از نزول این آیه، بیش از هشتاد و یک روز عمر نکرد. هرگاه وفات رسول خدا (طبق نقل کلینی در کافی و نقل اهل سنت) روز دوازدهم ربیع اتفاق افتاده باشد، روز نزول آیه، روز هیجدهم ذی الحجه، روز غدیر خواهد بود. البته مشروط بر اینکه روز غدیر، و روز وفات پیامبر را حساب نکنیم، و دو ماه از سه ماه را پشت سر هم، ۲۹ روز بگیریم.

۲- بسیاری از روایات که نزول آیه را روز غدیر معرفی می کنند، یادآور می شوند که پیامبر پس از نصب علی علیه السلام برای خلافت چنین فرمود: «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة و رضا الرب برسالتی و بالولاية لعلی علیه السلام من بعدی» «سپاس خداوندی را بر تکمیل آئین، و اتمام نعمت، و رضایت او بر رسالت من و ولایت علی علیه السلام پس از من». همان طور که ملاحظه می کنید: پیامبر، مضمون آیه مورد بحث را در کلام خود وارد کرده است و این خود می رساند که آیه یاد شده درباره روز غدیر نازل گردیده است.

۳- در حالی که این دلائل قطع آور، بر استقلال آیه گواهی می دهند ولی خود آیه در لابلای احکام مربوط به گوشت های حلال و حرام قرار گرفته است، و نکته آن برافراد آگاه از اوضاع صدر اسلام مخفی و پنهان نیست زیرا تاریخ و حدیث صحیح گواهی می دهند که پیامبر خواست، وصیت نامه ای برای امت خود تنظیم کند که پس از وی گمراه نشوند وقتی شخصیت های متنفذ پی بردند که پیامبر می خواهد درباره خلافت مطلبی بنویسد فوراً او را به هذیان گوئی متهم کردند. این حادثه و مانند آنها که تاریخ یادآور آنها است، حاکی است که افرادی در آغاز اسلام درباره مسئله خلافت و جانشینی رسول گرامی، حساسیت خاصی داشتند و برای انکار آن حد و مرزی نمی شناختند. به خاطر چنین شرائط حاکم بر جوّ نزول آیه، و برای محافظت آیه از هر نوع تحریف و تغییر، از یک اصل عقلانی پیروی شده است، و آن پوشانیدن شیئی نفیس با یک رشته امور ساده که کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

در این جا رسول گرامی 6 به فرمان خدا مأمور است آیه مربوط به جانشینی را در میان مطالب ساده قرار دهد تا کمتر مورد توجه مخالفان سرسخت قرار گیرد و از این طریق این سند الهی به دست آیندگان برسد. و همگی می دانیم وضع و قرارگیری هر آیه ای در هر جایی از سوره ها به فرمان پیامبر و دستور او بوده است و اصولاً جمع آوری قرآن به همین صورت، مدرکی جز دستور پیامبر ندارد، و تاریخ جمع آوری قرآن به وسیله یاران او، فاقد ارزش تاریخی است و فقط کار یاران او نگارش قرآن به لهجه واحدی و طرد دیگر لهجه ها بوده است. و مشروح این قسمت را باید در تاریخ قرآن خواند.

آیه سؤال عذاب

سومین آیه ای که پیرامون حادثه «غدیر» نازل شده، آیه «سؤال عذاب است. توضیح اینکه وقتی پیامبر گرامی 6 علی علیه السلام را به عنوان خلیفه در روز غدیر خم، به خلافت نصب نمود، این خبر در اطراف منتشر شد، «نعمان بن حارث فهری» خدمت پیامبر آمد 6 و گفت: ما را به یکتائی خدا دعوت کردی، ما نیز گواهی دادیم، سپس دستور دادی نماز و روزه و حج و زکات انجام دهیم، انجام دادیم، به این اندازه راضی نشدی حتی این جوان را (اشاره به علی علیه السلام کرد) به جانشینی خود نصب کردی آیا این سخنی است از ناحیه خودت یا از جانب خدا؟ پیامبر فرمود: سوگند به خدائی که خدائی جز او نیست، از جانب خدا است در این موقع نعمان صورت خود را از پیامبر برگردانید و گفت: «اللهم ان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء» «خداوند! اگر این سخن حق، و از جانب تو

است سنگی از آسمان بر ما فرود آر». وقتی سخن او به پایان رسید ناگهان سنگی از آسمان فرود آمد و او را کشت و در این باره آیه های یاد شده در زیر فرود آمد: «سال سائل بعدذاب واقع للکفرین لیس له دافع. من الله ذی المعارج» «درخواست کننده درخواست عذاب کرد و واقع شد، این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند از سوی خداوند که دارای فرشتگانی است که به آسمان سعود می کنند. شأن نزول یاد شده را مفسران و محدثان شیعه و گروهی از اهل سنت که تعداد آنها به سی نفر می رسد نقل کرده اند که می توان از خصوصیات آنها با مراجعه به کتاب «الغدير» آگاه شد. شأن نزول یاد شده مورد پذیرش علماً اسلام بوده جز اینکه «ابن تیمیه» که با خاندان رسالت رابطه خوبی ندارد، در کتاب «منهاج السنه» که به راستی باید آن را «منهاج البدعة» نامید، با طرح اشکالات هفت گانه به انکار و تکذیب آن برخاسته است و مرحوم علامه امینی در نخستین جلد «الغدير» به مجموع ایرادهای او پاسخ منطقی داده است و ما به صورت فشرده به نقل اجمالی این پرسش ها و پاسخ ها می پردازیم:

۱- سرگذشت غدیر پس از مراجعت از «حجة الوداع» بوده است در حالی که در شأن نزول دارد که نعمان در «ابطح» خدمت پیامبر رسید، و ابطح از آن سرزمین مکه است. پاسخ: اولاً: در روایت سیره حلبی و سبط ابن جوزی و غیره وارد شده است که نعمان در مسجد مدینه حضور پیامبر رسید و این گفتگو را انجام داد. و ثانیاً: ابطح در لغت عرب به سرزمین شزار گفته می شود و هر نقطه ای را که سیل از آن عبور می کند، «ابطح» می گویند در این مورد مراجعه به کتابهای لغت کافی است.

۲- سوره معارج مکی است و ده سال پیش از حادثه غدیر نازل شده است در این صورت چگونه می تواند ناظر به حادثه ای باشد که پس از واقعه غدیر رخ داده است. پاسخ: میزان در توصیف سوره های به مکی و مدنی بودن اکثریت آیات هر سوره است چه بسیار سوره هائی است که مکی است ولی برخی از آیات آن در مدینه نازل شده و بالعکس و با مراجعه به قرآن هائی که در بلاد عربی چاپ شده و در آغاز هر سوره به مکی و مدنی بودن آن سوره اشاره شده، این مطلب روشن می گردد.

۳- آیه «واذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا حجارة من السماء» پس از جنگ بدر و پیش از حادثه غدیر نازل شده است. پاسخ: این اشکال به راستی اشکال کودکانه است زیرا سخن پیرامون نزول این

آیه نیست، (ناگفته نماند که این آیه پس از جنگ بدر نازل شده است)، بلکه سخن درباره آیه «سأل سائل بعذاب واقع» است و نزول آیه نخست پس از حادثه ارتباطی به نزول دومی در آن مقطع ندارد.

۴- وجود پیامبر به حکم آیه «و ما کان الله لیعذبهم و انت فیهم و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون» امان از عذاب است با وجود پیامبر، عذاب نازل نمی شود. پاسخ: سیاق آیه حاکی است که مقصود عذابی است که گروهی را نابود سازد، بسان عذابهایی که قرآن در تاریخ پیامبران یادآور می شود، نه عذاب یک فرد آن هم به درخواست خود و گرنه تاریخ گواهی می دهد که افرادی با نفرین پیامبر هلاک شده اند مانند «اسود بن مطلب» و «و مالک بن طلاله» و غیره.

۵- اگر چنین حادثه ای رخ داده باشد باید بسان سرگذشت «اصحاب فیل» معروف گردد. پاسخ: حادثه ای که مربوط به یک فرد تعلق دارد با آنچه که مربوط به یک جمعیت انبوه است فرق روشنی دارد، گذشته بر این برای نقل سرگذشت دومی دواعی فراوانی وجود داشت در حالی که درباره فضائل امام دواعی براخفای آن بود با این وضع اگر سی دانشمند مبرز آنرا نقل کرده اند باید آنرا مربوط به عنایت الهی دانست که از این طریق به حفظ حجت خود پرداخته است.

۶- نعمان طبق شأن نزول، اصول پنجگانه را پذیرفته بود، در این صورت چگونه بر او عذاب فرود آمد؟ پاسخ: شأن نزول حاکی است که او نه تنها در برابر پیامبر تسلیم نبود، بلکه تسلیم خود را در برابر خدا نیز از دست داده بود زیرا گفت: اگر نصب علی برخلاف از جانب خدا است عذابی بر او فرود آید، چه ارتدادی بالاتر از این.

۷- در کتابهای مربوط به ضبط اسامی صحابه، نامی از نعمان بن حارث نیست. پاسخ: تعداد یاران پیامبر بیش از آن است که در کتابها و تراجم آمده است و کسانی که به تاریخ صحابه پرداخته اند هر کدام به اندازه اطلاعات خود، توانسته است اسامی گروهی را ضبط کند و مراجعه به مقدمه کتابهای «الاستیعاب» و «اسدالغابه»، «والاصایه» و استدرک هائی که بر این کتابها نوشته شده است روشنگر این مطلب است.

چرا اسلام شناسان غربی شیفته علی هستند؟

امام علی (ع) رابطه ناگسستنی بین حکمت نظری و سیاست عملی برقرار می کند و هدف از زندگی کوتاه دنیوی را مقدمه و آزمایشگاهی برای زندگی پایدار اخروی می نامد، بر همین اساس علاوه بر پاسخگویی به مردم، دادگاه عدل

الهی را محکمه ای می داند که زمامدار باید درمقابل آن پاسخگوی گفتار، رفتار و کردار خویش باشد. دوره کوتاه زمامداری امام علی (ع) سرشار از آموزه های گرانقدری است که می تواند به عنوان الگویی بی نظیر مورد توجه اندیشمندان سیاسی و فراتر از آن دولتمردان قرار گیرد. امام علی (ع) رابطه ناگسستگی بین حکمت نظری و سیاست عملی برقرار می کند و هدف از زندگی کوتاه دنیوی را مقدمه و آزمایشگاهی برای زندگی پایدار اخروی می نامد، بر همین اساس علاوه بر پاسخگویی به مردم، دادگاه عدل الهی را محکمه ای می داند که زمامدار باید درمقابل آن پاسخگوی گفتار، رفتار و کردار خویش باشد. زمامداری امام علی (ع) با نفی استبداد، خودکامگی و جورپیشگی همراه بود و در موارد متعددی در خطبه ها و نامه های خویش والیان و مسئولان حکومتی را به رعایت دقیق حقوق مردم فرا می خواند و آنها را از بیماری مهلک خود رأیی، تمامیت خواهی و انحصارطلبی برحذر می داشت. توصیه به گذشت، چشم پوشی از اشتباهات مردم و تواضع و فروتنی درمقابل آنان نه تنها از نصایح اخلاقی، بلکه از دستورات مؤکد وی به کارگزاران امور کشوری و لشکری بود. امام علی (ع) خود نیز به طریق اولی عامل به این وصایا بود و به مردم می فرمود: با من آنگونه که با ستمگران سخن می گوئید، سخن نگوئید، سخنانی که از عصبانیت و خشمگینی شماست از من مخفی نکنید و از راه سازشکاری با من وارد نشوید. فکر نکنید که اگر مطلب حق را گفتید من ناراحت می شوم. وی با نفی چابلوسی، تجلیل و تمجید، پند و اندرز مردم در خطاها و اشتباهات احتمالی را از جمله حقوق خویش بر مردم می شمارد و عنوان می کند از گفتن حق و مشورت عادلانه به من چشم پوشی نکنید.

سیره علی (ع) الگوی شایسته برای صاحبان قدرت

چگونگی مواجهه حضرت علی (ع) با منتقدان، مخالفان و معاندان بسی درس آموزاست. وی نه تنها بر منتقدان خرده نمی گرفت، بلکه عمل انتقادی را دارای ارزش می دانست. امام در عهد نامه مالک اشتر یادآور می شود که ای مالک از میان آنان [مردم] کسی را به خودت نزدیک کن که حرف حق را که تلخ است به تو بهتر و بیشتر بزند. در گفتار و کردارت که خدا برای دوستانش نمی پسندد کمتر تو را ستایش کند هر چند این کار تو را ناراحت نماید و دلتنگ شوی (نامه / ۵۳). گفتار و کردار امام علی (ع) با مخالفان و معاندان نیز دارای آموزه هایی شگفت است. علی (ع) در مقابل تندروی ها و مخالفت های خوارج از جاده انصاف، عدالت و آزادی خارج نشد و بر آزادی ها و حقوق این گروه که از مخالفان و عنودان سرسخت بودند، پای فشرد و به آنان گفت: بدانید که شما نزد ما سه حق دارید و تا هنگامی که همراه ما هستید آنها را از شما باز نمی گیریم؛ شما را از مساجد خدا که نام او را در آنها بر زبان می آورید

منع نمی کنیم، شما را از درآمد عمومی و غنائم تا زمانی که دستتان در جنگ همراه ماست محروم نمی سازیم و تا جنگ با ما آغاز نکرده اید با شما نمی جنگیم. در خصوص رفتار با دشمنان و رعایت عهد و پیمان با آنان نیز به مالک اشتر می نویسد: اگر میان تو و دشمنت پیمانی بسته شد و یا امانی به او دادی باید به پیمان و عهد خود وفادار بمانی و امانت را در امانی که داده ای رعایت کنی. هر پیمان و عهدی که داده ای حفظ آن به عهده توست و برای حفظ آن باید سینه سپر کنی. زیرا در میان واجب های خدا، با همه اختلافی که در فکر و عقیده میان مردم هست، واجبی که مورد بزرگداشت بیش از وفای به عهد باشد در میان اعمال واجب نیست. مشرکان با اینکه از نظر معنوی غیر از مسلمانانند، برای پیمان احترام قائلند، زیرا از تجربه های تلخ پیمان شکنی و عواقب آن اندر ز آموخته اند. بنابراین در وفای به عهد دغلکاری مکن و پیمان خویش را مشکن و به دشمن خود نیرنگ مزن، زیرا فقط نادان تیره دل نسبت به خدا گستاخ می گردد و در حقیقت خدا عهد و امان خود را در پناهگاه رحمت خویش در میان مخلوق خود قراردادده است تا از این دژ به عظمت خدا دست یابند و در سایه عظمت وی آسوده خاطر گردند. بنابراین نه دغلکاری، نه نیرنگ و نه خیانت باید دیده شود. هر گاه به سختی افتادی مبدا پیمان را بدون دلیل شرعی برهم بزنی، زیرا با مشکلات پیمان ساختن به امید آن که مشکلاتش بر طرف گردد و پایان شایسته ای داشته باشد، بهتر از خیانتی است که از عوارض آن وحشت داشته باشی و بهتر از این است که بر اثر خیانت به پیمان تحت تعقیب خدا قرار بگیری که نه در دنیا و نه در آخرت از زیر بار مسئولیت آن نتوانی بیرون بیایی (همانجا)

چگونگی برخورد با دشمن

اوج زیبایی برخورد با دشمن را در موضوع وصیت امام علی (ع) در خصوص ابن ملجم مرادی، قاتل علی (ع) دیده می شود. وی به فرزندانش امام حسن (ع) و حسین (ع) چنین سفارش می کند: من دیروز در میان شما بودم و امروز مایه پند شما و فردا از میان شما خواهم رفت. اگر ماندم خودم با ابن ملجم حسابم را می رسم و اگر نابود شدم، نابودی وعده گاه من است. اگر عفو کردم، بخشش وسیله ایست برای تقرب من به خدا و ثوابی است برای شما، بنابراین از اوصرف نظر کنید که خدا می گوید: آیا دوست ندارید خدا گناهان شما را ببخشد (نهج البلاغه، نامه ۲۳). مواظب باشید در خونریزی فرو نروید، نگویید امیرالمومنین کشته شد، امیرالمومنین به قتل رسید. توجه داشته باشید که در برابر کشته شدن من، فقط یک ضربت در برابر ضربت وی به اوبزنید، اورا "مثله" ننمایید، زیرا من از رسول خدا 6 شنیدم می فرمود: از مثله کردن هر چند نسبت به سگ هار پرهیز نمایید (نامه شماره ۴۷، ص ۷۵۱). بعد از من

خوارج را به قتل نرسانید، زیرا کسی که به دنبال حق باشد و آن را نیابد مانند کسی نیست که دنبال باطل برود و آن را بدست آورد (خطبه / ۶۰)

رویکرد امیرالمومنین در لحظات سخت حکمرانی

اسلام دین تعقل و اندیشه است و از انسان خواسته می شود برای انتخاب بهترین ها اندیشه کند. موعظه، نصیحت و جدال احسن و حتی دعوت مخالفان به گفتگو توصیه می شود. بنابراین یکی از وظایف اصلی رهبران الهی هدایت است. بر همین مبنا است که حضرت به دشمنان مهلت اندیشیدن داده و در آغاز جنگ شتاب نورزیده (خطبه ۴۳) و آن را به تاخیر می اندازد (خطبه ۵۵) و قبل از جنگ نیز با طرف مقابل اتمام حجت می کند (خطبه ۱۳۷) و از لغزشها در می گذرد (خطبه ۱۵۹) و پیمان شکنان را مورد لطف خود قرار می دهد (خطبه ۴) و بعد از جنگ فرمان عفو عمومی صادر می کند و فرمان عدم تعقیب فراریان را صادر می کند... (نامه / ۲۹).

رفتار و منش علی (ع) در جنگ ها نیز بر معیار عدالت است. آنجایی که عدالت به او اجازه دهد تساهل و مدارا به خرج خواهد داد و جایی که عدالت اجازه ندهد دست علی برای مدارا بسته خواهد بود. از همین روست که در جنگ ها فرمان می دهد: «درختان را قطع نکنید، بیگناهان را نکشید. آب آشامیدنی را مسموم و مسدود نکنید، فراریان را تعقیب نکنید، با اسیران به نرمی رفتار کنید، اموال مسلمانان را به غنیمت برندارید و...» (عسکری، ۱۳۷۵: ۱۴۷/۲) حضرت در وصیت خود به فرزندش امام حسن مجتبی (ع)، نکته های ارزشمندی از تساهل و مدارا را آموزش می دهند؛ «هنگامی که بر دشمنت غلبه کردی، شکر قدرت را عفو او قرار ده» (خطبه / ۸۶، حکمت / ۱۱).

«هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن که آسایش رزمندگان و آرامش فکری و امنیت کشور در صلح تأمین می گردد... اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آن چه بر عهده گرفتی امانت دار باش و جان خود را سپر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با همه اختلافاتی که دارند در آن اتفاق نظر دارند... پس هرگز پیمان شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده... پس از محکم کاری در قرارداد نامه دست از بهانه جویی بردار. مبدا مشکلات پیمانی که بر عهده ات قرار گرفته و خدا آن را بر گردنت نهاده تو را به پیمان شکنی وا دارد...» (نامه / ۵۳). از سوی دیگر خطاب به یارانش که عازم جنگ صفین

بودند، فرمودند؛ «ای فرزندان مهاجران، به سوی سرکردگان کفر و بازماندگان جنگ احزاب و دوستان شیطان حمله ور شوید». (ابن ابی الحدید، ۱۹۴/۲) یا وقتی چشمان مبارکش در میدان صفین به پرچم های سپاه معاویه افتاد، فرمود: «قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، آن ها اسلام نیاورده بودند، بلکه به ظاهر تسلیم شدند و کفر خویش را پنهان نمودند».

خلافت علی ؑ در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ

در تاریخ ۱۸ ذی الحجه سال دهم هجری قمری (مصادف با ۲۸ اسفند سال دهم خورشیدی) در منطقه ای به نام غدیر، که میان مکه و مدینه است؛ آیه ۶۷ سوره مبارکه ۵ (مائده) بر پیغمبر اکرم 6 نازل شد که خداوند در این آیه به ایشان 6 امر می فرماید: «ای پیغمبر آن چه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده ای و خدا تو را از شر مردم محفوظ خواهد داشت». علاوه بر کتب معتبره برادران تشیع، قریب به سی تن از بزرگان و علماء برادران اهل تسنن در کتب معتبره تفسیرشان اینگونه نقل کرده اند که: این آیه در شان امیرالمومنین علی ؑ در روز غدیر خم نازل شده است. و در ادامه اینگونه اضافه می کنند که بعد از نزول این آیه مبارک در روز غدیر خم، رسول گرامی اسلام 6 دست امیرالمومنین ؑ را بلند می کند و می فرمایند: «هر کس که من مولای اویم، زین پس علی مولای اوست».

آیا علی ؑ قبل از غدیر خم هم خلیفه بود؟

علماء و کتب معتبره برادران اهل سنت درباره تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده. از جمله بزرگان و کتب معتبره اهل تسنن، که کتب آن ها در سال های ۱۳۵۰ خورشیدی به قبل، به چاپ رسیده است می توان به افراد و کتب زیر اشاره کرد: «جلال الدین سیوطی در صفحه ۲۹۸ جلد دوم در المثنور و حافظ بن ابی حاتم رازی در تفسیر غدیر و حافظ ابوجعفر طبری در کتاب الولایه و حافظ ابو عبدالله محاملی در امالی و حافظ ابوبکر شیرازی در ما نزل من القرآن فی امیر المومنین و حافظ ابوسعید سجستانی در کتاب الولایه و حافظ ابن مردویه در تفسیر آیه و حافظ ابوالقاسم حسکانی در شواهد التنزیل و ابولفتح نظری در خصائص العلوی و معین الدین میبیدی در شرح دیوان و قاضی شوکانی در صفحه ۵۷ جلد سوم فتح الغدیر و سید جمال الدین شیرازی در اربعین و بدرالدین حنفی در صفحه ۵۸۴ جلد هشتم عمده القاری فی شرح صحیح بخاری و امام اصحاب حدیث احمد ثعلبی در تفسیر کشف البیان و امام

فخر رازی در صفحه ۶۳۶ جلد سوم تفسیر کبیر و حافظ ابونعیم اصفهانی در ما نزل من القرآن فی علم و ابراهیم بن محمد حموینی در فرائد المسطین و نظام الدین نیشابوری در صفحه ۱۷۰ جلد ششم تفسیر خود و سید شهاب الدین آلوسی بغدادی در صفحه ۳۴۸ جلد دوم روح المعانی و نور الدین بن صباغ مالکی در صفحه ۲۷ فصول المهمه و علی بن احمد واحدی در صفحه ۱۵۰ اسباب النزول و محمد بن طلحه شافعی در صفحه ۱۶ مطالب السؤل و میر سید علی همدانی شافعی در مودت پنجم از موده القری و شیخ سلیمان بلخی حنفی در باب ینابیع الموده و نزدیک به سی تن از دیگر علماء و اکابر اهل تسنن این آیه را در شان امیر المومنین می دانند.

علاوه بر کتب معتبره برادران شیعه، فردی به نام قاضی فضل بن روزبهان از برادران اهل تسنن نوشته است: «پس به تحقیق ثابت آمده این قضیه در صحاح معتبره ما (اهل تسنن) که چون این آیه نازل شد، رسول خدا 6 دست علی را گرفت و فرمود: من کنت مولاه، فهذا علی مولاه».

معرفی شدن علی پیش از خدیجه، بعنوان جانشین پیامبر

یکی از احادیث وارد شده در کتب معتبره اهل سنت و شیعیان، حدیث الدار است. در کتب معتبره هر دو مذهب با مختصر کم و زیادی در الفاظ و کلمات آمده است: رسول گرامی اسلام 6 چهل نفر از اشراف و رجال بزرگ و خویشاوندان خود از قریش را در منزل عمومی گرامیش ابوطالب دعوت نمود و برای آن ها یک ران گوسفند و قدری نان صاعی از شیر، غذا حاضر نمود. حضرات بخندیدند و گفتند: محمد، غذای یک نفر را حاضر نکرده (چون در میان آن ها کسانی بودند که بچه شتر را تنهایی می خوردند) حضرت فرمودند: کلوا بسم الله (بخورید به نام خداوند) پس از آنکه خوردند و سیر شدند به یکدیگر می گفتند؛ محمد به این غذا شما را سحر نمود! آن گاه حضرت برخاست در میان آن ها پس از مقدماتی فرمودند: ای فرزندان عبدالمطلب، خدای تعالی مرا مبعوث فرمود بر عموم مردمان و بخصوص بر شما و من شما را دعوت می کنم و شما به گفتن این دو کلمه بر عرب و عجم مالک شوید و ایشان از شما اطاعت می کنند و جمیع امم در تحت فرمانبرداری شما در آیند و به این دو کلمه به بهشت می روید و از دوزخ نجات می یابید. پیغمبر گرامی اسلام همچنان در ادامه گفتند: و آن دو کلمه گواهی دادن به وحدانیت خدا و رسالت من است (لا اله الا الله محمدا رسول الله) پس هر کس مرا اجابت کند در این کار (یعنی اولین کسی باشد که مرا اجابت کند) و معاونت من نماید، او برادر من و وزیر و وارث و خلیفه من خواهد بود بعد از من. و پیغمبر گرامی اسلام 6 این جمله ی آخر را سه بار تکرار و هر سه مرتبه احدی جواب نداد مگر علی  که جواب داد و گفت:

من شما را کمک و یاور می نمایم ای پیغمبر خدا. پس حضرت او را نوید خلافت داد و آب دهان مبارک در دهان او افکند و فرمود: علی علیه السلام وصی و خلیفه من است در میان شما. بعضی دیگر از کتب معتبره اینگونه از پیغمبر اکرم 6 نقل نموده اند که بعد از پایان جمله علی علیه السلام، حضرت محمد مصطفی 6 می فرمایند: تو یا علی وصی و خلیفه منی بعد از من. یکی از زمان هایی که پیغمبر اکرم 6 علی علیه السلام را جانشین خود در مدینه قرار داد، در زمان جنگ تبوک بود. در جریان این جنگ، وقتی رسول خدا 6 عازم حرکت شد، منافقین محرمانه قرارداد کردند که در غیاب آن حضرت در مدینه انقلابی برپا کنند. برای اداره امر مدینه مرد کاردانی لازم بود که به جای آن حضرت در مدینه بماند و با قوت قلب و حسن سیاست مدینه را اداره کند. برای همین پیامبر اکرم 6 علی علیه السلام که در آن زمان بسیار جوان بود، از میان شیوخ و بزرگان (از لحاظ سنی) به عنوان خلیفه برگزیدند و صریحاً فرمودند: تو خلیفه من هستی در اهل بیت من و در مدینه که خانه و محل هجرت من است. لازم به ذکر است پیغمبر اکرم 6 اولین مردی را که به اسلام دعوت فرمودند علی علیه السلام بود، با اینکه گفته می شود علی علیه السلام در آن زمان بین ۱۰ تا ۱۳ سال سن داشته است.

پیشگویی امیرالمؤمنین نسبت به رد کنندگان غدیر

یکی از ایرادهایی که مخالفان شیعه درباره ی ولایت و امامت بلافصل امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطرح می کنند این است که خود امام علی علیه السلام این گونه که شیعیان معتقدند ادعای امامت و خلافت نداشت. اگر او واقعاً به وضع موجود اعتراض داشت، باید اعتراض خود را به صورت جدی مطرح و پیگیری می کرد؛ درحالی که نه تنها ایشان اعتراضی نداشتند بلکه با بیعت و همکاری خود، خلفای زمان خود را تأیید نیز کردند. این سخن درست است که حضرت امیر علیه السلام می توانست با توسل به زور و قدرت حیدری خود، حق غضب شده ی خود را پس بگیرد؛ ولی علی رغم این توانایی، برای احقاق حق غضب شده ی خویش و برای به دست آوردن زمام حکومت، دست به هر کاری نزد و به هر قیمتی سعی نکرد که حق غضب شده ی خویش را باز یابد.

دلیل این کوتاه آمدن، حفظ مصلحت عمومی جامعه ی اسلامی و جلوگیری از تفرقه در نظام نوپای اسلامی بود که تبیین این مطلب مقامی دیگر می طلبد. ولی در کنار این خویشن داری بزرگوارانه، حضرت تمام تلاش خود را به کار بست تا بدون لطمه زدن به اتحاد و انسجام امت اسلامی، حق الهی خود را احیا کند و اجازه نداد حق و باطل برای حق طلبان مشتبه شود. حضرت هرگز در برابر وضع موجود، سکوت نکرد؛ بلکه از هر فرصتی برای آگاهی

دادن و برملا کردن فتنه و انحراف استفاده کرد و از طریق گفت و گو و نامه نگاری با خلفا و بزرگان و از طریق سخنرانی و گفت و گوهای آشکار و پنهان با توده ی مردم، حق و باطل را آشکار ساخت و به همه نمایاند که اگر سکوت کرده است، از روی رضایت نیست. در این مقاله چند نمونه از این سخنان را که به ماجرای غدیر خم اشاره دارد، بیان می کنیم: آیا می دانید راه خدا چیست و نماد آشکار و نمایانده ی آن راه کیست؟ من آن صراط خدایم که اگر کسی آن را با طاعت حق نپیماید، در آتش افکنده شود. من راه اویم که برای پیروی مردم پس از پیامبر اکرم 6 گماشته شده ام. من تقسیم کننده ی بهشت و دوزخم. من حجت خدا بر تبهکاران و نیکوکارانم. من نور الانوارم...» امام علی علیه السلام در مسجد پیامبر 6 درباره ی ماجرای غدیر سخن می گفت که بشیر بن سعد انصاری گفت: اگر پیش از بیعت انصار با ابوبکر، آنان این حدیث را از تو شنیده بودند، کسی در شایستگی تو برای خلافت اختلاف نمی کرد. حضرت فرمود: «آیا با عقل و خرد سازگار بود که من پیکر پاک رسول خدا 6 را رها کرده، پیش از خاک سپاری آن، برای درگیری در حاکمیت، از خانه بیرون؟! به خدا سوگند از کسی که خودش را نامزد خلافت کرد و با ما خاندان پیامبر در افتاد و حق ما را ربود و مانند شما آن را برای خود حلال و روا شمرد، هرگز نهراسیدم و به خوبی می دانستم که رسول گرامی 6 حقیقت را برای مردم بیان کرده و برای کسی جای شبهه و عذری نگذاشته بود. کسانی که این سخن پیامبر 6 را در غدیر خم شنیده اند، به خدا سوگندشان می دهم به آن شهادت دهند! آن جا که فرمود: هر کس که من مولا و رهبر اویم، این علی مولا و پیشوای او است. خدایا دوستان و پذیرندگان ولایتش را دوست بدار و در پوشش ولایت خود بگیر و مخالفانش را دشمن بدار. یارانش را مدد رسان و تنها گذارند گانش را تنها بگذار!» زید بن ارقم می گوید: دوازده تن از کسانی که نشان افتخار شرکت در جنگ بدر را داشتند سخن امام را گواهی کردند و من نیز این حدیث را از پیامبر شنیده بودم ولی آن را کتمان کردم و شهادت ندادم. از این رو، علی علیه السلام مرا نفرین کرد و نابینا شدم. در حدیثی دیگر عامر بن واثله می گوید: روزی که گروه شش نفره ی خلیفه دوم برای تعیین خلیفه در خانه ی وی گرد آمدند، من همراه امام علی علیه السلام بودم و شنیدم که به آنان چنین گفت: «استدلالی نیرومند بر حقانیت خودم دارم که عرب و عجم توان رد کردن آن را ندارد... شما را به خدا سوگند می دهم، آیا میان شما کسی جز من هست که رسول خدا درباره اش چنین فرموده باشد: «من کنت مولاه فعلی مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»؟ گفتند: «نه، هرگز!» ولی با این همه حق او را به یغما بردند. در حدیثی دیگر رفاعه به نقل از پدرش از پدر بزرگش می گوید: در جنگ جمل من با امام علی علیه السلام

همراه بودم که فردی را دنبال طلحه فرستاد و او را فرا خواند. وقتی وی پیش حضرت آمد به او فرمود: «تو را به خدا سوگند، آیا این جمله «من کنت مولاه فعلی مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» را از پیامبر شنیده ای؟» وی پاسخ داد: «آری». حضرت پرسید: «پس چرا به جنگ من برخاسته ای؟» طلحه گفت: «این سخن را فراموش کرده بودم». رفاعه می گوید: پس از این گفت و گو طلحه از صحنه ی نبرد دور شد. این سخن درست است که حضرت امیر می توانست با توسل به زور و قدرت حیدری خود، حق غصب شده ی خود را پس بگیرد؛ ولی علی رغم این توانایی، برای احقاق حق غصب شده ی خویش و برای به دست آوردن زمام حکومت، دست به هر کاری نزد و به هر قیمتی سعی نکرد که حق غصب شده ی خویش را بازیابد. در حدیثی دیگر جابر بن عبد الله انصاری می گوید: روزی علی بن ابیطالب علیه السلام برای مؤمنان سخن گفت و پس از حمد و ستایش خدای سبحان چنین فرمود: «ای مردم، پیش این منبر چهار نفر از یاران پیامبر 6 حضور دارند: انس بن مالک و براء بن عازب و اشعث بن قیس کندی و خالد بن یزید بجلی». سپس رو به انس کرد و فرمود: «اگر از رسول خدا شنیده ای که فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» ولی امروز بدان گواهی ندهی، خدا پیش از فرا رسیدن مرگت، تو را به بیماری پیسی گرفتار سازد، بگونه ای که تمامی سرت را فراگیرد و عمامه ات آن را نپوشاند!»

آن گاه خطاب به اشعث فرمود: «اما تو ای اشعث، اگر این سخن پیامبر را شنیده ای و امروز به ولایت من گواهی ندهی، خدا تو را پیش از مرگت نابینا سازد!» سپس به خالد بن یزید فرمود: «اما تو ای خالد، اگر از رسول خدا این سخن را شنیده ای و آن را پنهان می کنی، خدا تو را به مرگ جاهلیت بمیراند!» آن گاه رو به براء کرد و فرمود: «اما تو ای براء بن عازب، اگر تو نیز این سخن را از پیامبر شنیده ای ولی آن را کتمان می کنی، خدا مرگ تو را در سرزمینی که از آن هجرت کرده ای قرار دهد!» جابر می گوید: «به خدا سوگند، انس را با چشم خود دیدم که از ناحیه ی سرش به بیماری پیسی گرفتار شده بود و هرچه می کوشید تا لکه های آن را با عمامه اش بپوشاند نمی توانست. هم چنین اشعث بن قیس را دیدم که هر دو چشمش کور شده بود. نیز خالد بن یزید مُرد و خانواده اش او را در گوری که در خانه ی خودش کردند به خاک سپردند؛ ولی هنگامی که اهالی قبیله اش کُنده از مرگش آگاه شدند، به سنت جاهلیت در کنار خانه اش گرد آمدند و اسبان و شتران را در آن جا پی کردند. هم چنین معاویه براء بن عازب را که اهل یمن بود و از آن جا به حجاز هجرت کرده بود، برای فرمانداری به یمن فرستاد و در همان جا نیز مرد». حضرت درباره ی آداب عید غدیر نکاتی را بیان می کند و به مردم توصیه می فرماید که در این روز تمیز

و خوش بو باشید و این عید را جشن بگیرید و به خانواده و اطرافیان هدیه بدهید و به نیازمندان بیش تر توجه کنید و در این روز روزه بگیرید و در حد توان اطعام و انفاق داشته باشید.

خطبه امیرالمؤمنین در روز غدیر

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زمان حکومتش نیز درباره ی غدیر خم بارها صحبت فرموده است. یک بار که روز جمعه و عید غدیر با هم مصادف شده بودند، حضرت در خطبه های نماز جمعه به طور مفصل درباره ی حماسه ی عظیم غدیر سخنرانی فرموده است که بخش های کوتاهی از آن سخنرانی را به تقطیع ذکر می کنیم:

«... خدا در آن روز دینش را به کمال آراست و چشمان پیامبر و مؤمنان و پیروان او را روشن ساخت و آن چه برخی از شما گواه آن بودید و خبرش به برخی دیگر تان رسیده است، در آن روز رخ داد و سخن نیکوی خدا بر صبرپیشگان به پایان رسید. بدین سان آن چه را فرعون و هامان و قارون و سپاهیانسان ساخته بودند، خدای قهار در هم کوبید و کاخ هایشان را تباه ساخت. (خوانندگان محترم با ژرف نگری در زوایای گوناگون تاریخ صدر اسلام، مصادیق فرعون و هامان و قارون را که اشاره ی رازگونه ای به خلفای سه گانه دارد، به خوبی درمی یابند!)... ای مؤمنان، بدانید این که خداوند فرموده است: «ان الله يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف، ۶۱) «آیا می دانید راه خدا چیست و نماد آشکار و نمایاننده ی آن راه کیست؟ من آن صراط خدایم که اگر کسی آن را با طاعت حق نپیماید، در آتش افکنده شود. من راه اویم که برای پیروی مردم پس از پیامبر اکرم 6 گماشته شده ام. من تقسیم کننده ی بهشت و دوزخم. من حجت خدا بر تبهکاران و نیکوکارانم. من نورالانوارم...».

آداب غدیر از زبان صاحب غدیر

در ادامه، حضرت درباره آداب عید غدیر نکاتی را بیان می کند و به مردم توصیه می فرماید که در این روز تمیز و خوش بو باشید و این عید را جشن بگیرید و به خانواده و اطرافیان هدیه بدهید و به نیازمندان بیشتر توجه کنید و در این روز روزه بگیرید و در حد توان اطعام و انفاق داشته باشید. پس شایسته است که به پاس قدردانی از این نعمت عظیم الهی و عرض ادب به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، عید سعید غدیر را در خانواده و اجتماع باشکوه فراوان برگزار کنیم و از برکات معنوی این روز عزیز بهره مند شویم

منبع : اختصاصی حوزه نت

<https://noo.rs/UaCc0>